

## بکر نمایی از منظر فقه پزشکی

سید عباس سادات حسینی

### چکیده

عمل جراحی بکرنمایی یا هایمنوپلاستی<sup>۱</sup> یکی از اعمال جراحی است که پزشکان با درخواست افراد مواجه می‌شوند و هیچ‌گونه اندیکاسیون و شواهد پزشکی دال بر لزوم انجام آن وجود ندارد. ضرورت اجتماعی- فرهنگی و مذهبی این عمل از مباحث مهم در بین پزشکان بوده و تعیین چارچوب چگونگی ورود بر آن‌ها مهمترین سؤال در این زمینه می‌باشد. در این مقاله سعی شده است از منظر فقه اسلامی (امامیه) به آن پرداخته شود. این که باکره به چه کسی گفته می‌شود از موضوعاتی است که در فقه امامیه به آن پاسخ داده شده است. اکثریت فقها ازاله بکارت را دخول جنسی می‌دانند. در صورت پارگی و ازاله بکارت در موارد غیر جنسی و حتی در مواردی که پرده بکارت قابل ازاله ولی سالم باشد و یا فرد ازدواج کرده باشد فرد را باکره می‌دانند. لذا ترمیم پرده بکارت یا تعبیه آن در افرادی که شرعاً باکره محسوب می‌شوند، جهت عودت عملکرد آن در شب زفاف بلامانع است. ولی در موارد ازاله آن طی دخول جنسی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که تحت عنوان دلایل جواز و عدم جواز به آن پرداخته شده است. مهمترین دلیل عدم جواز در انجام عمل توسط پزشکان معاونت در عمل می‌باشد که لازم است پزشکان از ورود به آن در این موارد خودداری نمایند.

واژگان کلیدی: باکره؛ هایمنوپلاستی؛ فقه؛ جواز.

## مقدمه

نام هایمن در لاتین از نام **Hymenaeus** الهه یونانی (سمبل ازدواج و جشن عروسی) گرفته شده است. پرده بکارت (**Hymen**) چین نازک غشایی مخاطی به ضخامت یک میلی متر است که معمولاً در فاصله ۲ تا ۴ سانتی متری دهانه مهبل قرار دارد. این چین فاقد غدد و بافت عضلانی بوده، از بافت عصبی و عروقی کمی برخوردار است. از نظر جنین شناسی پرده بکارت باقیمانده واژن و سینوس ادراری تناسلی است که پس از فیوز شدن این دو لایه به وجود می آید و هر دو سطح داخلی و خارجی توسط اپی تلیوم سنگفرشی مطابق پوشیده می شود.

در دختران باکره در اکثر قریب به اتفاق موارد پرده بکارت وجود دارد. این پرده در سنین پایین تر سطحی است و ندرتاً ممکن است در جای طبیعی خودش قرار نداشته باشد و عمقی تر باشد (حتی در مواردی در عمق ۸ سانتی متری مدخل واژن نیز گزارش شده است).

پرده بکارت در دختران جوان معمولاً ضخامت های متفاوتی داشته و کم و بیش ورودی واژن را می پوشاند. تا آن جا که بررسی ها نشان می دهد، هیچ نقش فیزیولوژیکی برای این پرده به ویژه در بالغین شناخته نشده است و به همین جهت از آن نظر پزشکی اهمیت ندارد.<sup>۲</sup> اما از آن جهت که در جوامع اسلامی و برخی کشورهای آسیایی، اروپای شرقی و آمریکای لاتین وجود پرده بکارت در شب زفاف و انتظار خونریزی در هنگام نخستین آمیزش اجتماعی و حتی مذهبی فراوانی دارد، افرادی که پیش از ازدواج به دلایل مختلفی باکرگی خود را از دست می دهند، داوطلب استفاده از عمل جراحی و ترمیم پرده بکارت هستند.

عدم باکرگی یا حتی عدم خونریزی به دلایل طبیعی (مانند نوع پرده و ...) در شب زفاف در این جوامع با عوارضی مانند شرم، طرد شدن از خانواده و جامعه،

طلاق و حتی مرگ برای حفظ آبروی خانواده همراه است. بکرنامایی (هایمنوپلاستی) عملی است که توسط جراحان و متخصصین زنان به منظور بازگشت توانایی خونریزی هایمن در اولین نزدیکی (شفاف زفاف) انجام می شود.<sup>۳</sup> این عمل اغلب برای جلوگیری از بروز خشونت علیه زن به دلیل رفتارهای غیر مجاز می باشد. در موارد نادری این عمل از نیاز مراجعه پس از نزدیکی پیشنهاد شده است. انجام این عمل در زنانی که به دلیل بد قرار گرفتن مجرای ادرار در پشت هایمن و چسبندگی غیرطبیعی آن به بافت پرده، دچار عفونت‌های مکرر مثانه می شوند، تا ۹۰٪ با بهبودی همراه است و در پاره‌ای از موارد این عمل جهت تنگ کردن دهانه مهبل و افزایش میل جنسی انجام می‌شود.<sup>۴</sup> پزشکی که برای انجام این عمل وسوسه می شوند در هیچ یک از دوره‌های آموزشی تکنیک این عمل را نیاموخته‌اند. و در بسیاری از موارد تنها برای دریافت دستمزدهای کلان از افراد ثروتمند و برای نخستین بار دست به این عمل می‌زنند. بنابراین بروز عوارضی مانند عفونت و خونریزی در طی عمل دور از انتظار نیست. همچنین هیچ یک از شکایت های بیمار به دلیل غیرقانونی بودن به مراجع قانونی ارجاع داده نمی شود.

به دلیل خونرسانی ضعیف پرده بکارت ترمیم و جوش خوردن محل پارگی حتی با ظریف ترین بخیه ها نیز ممکن نیست. اما عمل هایمنوپلاستی معمولاً با هدف ایجاد مانع در هنگام آمیزش جنسی و ایجاد خونریزی برای نشان دادن باکرگی فرد صورت می گیرد.

صرف نظر از این که ازاله بکارت چگونه و به چه دلیلی انجام شده باشد، تا کنون بحثی از جواز یا عدم جواز عمل ترمیم پرده بکارت در متون فقهی به میان

نیامده است، جز این که برخی از فقها از امکان جوش خوردن طبیعی پرده بکارت و بازگشت دوباره باکرگی سخن گفته اند.

به عنوان مثال، شهید ثانی در این باره می نویسد: «اگر بکارت یک زن بر اساس شهادت چهار مرد مبنی بر انجام رابطه نامشروع توسط وی، از بین رفته باشد ولی بعد از آن، چهار زن شهادت دهند که او باکره است؛ گفته هر دو دسته را صحیح دانسته و دلیل آن امکان عود باکرگی با ترمیم و جوش خوردگی پرده بکارت است».<sup>۵</sup>

از دیرباز میان فقها در این که دو عنوان «باکره» و «ثیبه» چه هنگام بر زن بار می شود، اختلاف نظر وجود داشته است.

بیشتر فقها بر این باورند که صفت باکرگی هنگامی از زن سلب می شود که بکارت او به سبب نزدیکی و تماس جنسی (موقعه) - شرعی یا غیر شرعی - زایل شده باشد. بر این اساس، هرگاه به واسطه عوامل دیگری همچون ورزش، عمل جراحی، ورود جسم خارجی، پرده بکارت دچار آسیب دیدگی شود، زن همچنان باکره قلمداد می شود، هرچند شوهر نیز اختیار کرده باشد.<sup>۶</sup>

در برابر، گروه اندکی از فقها نیز معتقدند زوال بکارت به هر شکلی که تحقق پذیرد، با آمیزش و بدون آمیزش، سبب می شود شخص از عنوان باکره بودن خارج شده، «ثیبه» به حساب آید؛ هرچند در صورت عدم آمیزش شرعی، زن از نظر بقای ولایت پدر و پدربزرگ پدری نسبت به ازدواجش، در حکم باکره است.<sup>۷</sup>

توجه به چنین مطلبی سبب شده است که ازاله بکارت با هرکاری غیر از نزدیکی، حتی باردار شدن، نیز موجب پرداخت مهر المثل شود.

شهید اول در این باره می نویسد: «هر کس با دختر باکره‌ای به وسیله انگشت عملی انجام دهد و بکارت او را از بین ببرد باید مهر المثل او را بپردازد. خواه آن دختر نابالغ، بالغ، مسلمان یا کافر باشد»<sup>۱</sup> «اگر مردی با زن خود نزدیکی کند و سپس آن زن با باکره‌ای مساحقه نماید، طفل متولد شده از باکره، به شوهر زن ملحق می شود. بر این دو زن حد مساحقه جاری می شود و زنی که شوهرش با او نزدیکی کرده است، ضامن بوده و مهرالمثل باکره بر عهده اوست زیرا او سبب از بین رفتن بکارت آن زن می باشد.»<sup>۲</sup>

در ماده ۴۴۱ قانون مجازات اسلامی نیز با تأثیر پذیری از دیدگاه غیر مشهور چنین آمده است: «از بین بردن بکارت دختر با انگشت که باعث می شود او نتواند ادرار را ضبط کند، علاوه بر دیه کامل زن، مهر المثل نیز دارد.»

به هر حال، در این مقاله بر آن هستیم تا با کمک گرفتن از قواعد فقهی، ضمن بررسی دلایل احتمالی جواز و حرمت جراحی ترمیمی پرده بکارت، نشان دهیم که آیا انجام این عمل فاقد مجوز شرعی است و اگر آری آثار و پیامدهای فقهی آن چیست؟

در اینباره دو دیدگاه در بین فقها مطرح شده است که به تشریح آن می-پردازیم.

### ۱- دیدگاه اول، جواز

برای اثبات جواز ترمیم پرده بکارت به این مطالب می توان استناد کرد:

#### ۱-۱- حق انسان بر تصرف در بدنش

تردید نیست که انسان حق دارد از اعضای بدن خود، آن گونه که بخواهد استفاده کند. چنین حقی ناشی از مالکیتی است که نسبت به بدن خود دارد. این

مالکیت، هرچند مالکیتی تکوینی - ذاتی است، یعنی در تحققش به چیزی بیرون از وجود انسان، نیازمند نبوده، مقصود از آن سلطنت و اقتداری است که به خودی خود، محدود به چیزی نیست؛ اما قانونگذار می تواند در اعمال آن، محدودیت‌هایی وضع کند.<sup>۱۰</sup>

برخی از فقها بر این باورند که جعل حکم حرمت برای خودکشی، ناقص کردن بدن و آسیب رساندن به آن؛ همچنین وضع تدابیر جزائی در این باره، نشانگر نبود مالکیت و سلطه مطلق انسان نسبت به بدن خود است. بر این اساس، چون بدن انسان متعلق حق و حکم الهی قرار گرفته است و اراده و رضایت انسان در سقوط چنین احکامی نقشی ندارد، انسان نمی تواند از آن سلطه و مالکیت ذاتی استفاده کند.

به عبارت دیگر، چون جدایی اعضای بدن، هرچند که با رضایت خود فرد انجام شود، منجر به نقص عضو و آسیب دیدن بدن می شود، از مصادیق جنایات عمدی بر جسم محسوب شده، حرام خواهد بود. همان گونه که انسان فاقد سلطه بر اتلاف نفس خود است، بر اعضا و اطراف بدن خود نیز سلطه ندارد.

نظیر چنین تفکری را در میان فقهای اهل سنت نیز می توان یافت. برخی از فقهای سنی مدعی اند که جسم انسان، امانتی است الهی که خداوند در اختیار وی قرار داده است و انسان مجاز نیست درباره حیات و سلامت خود، دست به اقدامی بزند که مورد رضایت خداوند نباشد و سبب کاهش قدرت و توانایی وی در انجام وظایف شرعی اش شود.

در برابر، گروهی با ناکافی دانستن این مطالب مدعی اند که انسان از سوی پروردگار متعال دارای نوعی ولایت بر جسم و اعضای خود است و تنها چیزی که انسان از انجام آن به صراحت منع شده است، فراهم آوردن زمینه هلاکت خود

است. بر این اساس، تا زمانی که تصرف انسان در بدن خودش منجر به قتل نفس شود، انجام آن به واسطه وجود این ولایت جایز خواهد بود.

حرمت اضرار به نفس، مادام که به دنبال هدفی عقلایی باشد، محل تأمل است؛<sup>۱۱</sup> قرار داشتن اختیار قصاص یا گرفتن دیه یا گذشت کردن بر عهده مجنی علیه، نشانه معتبر دانستن سلطه انسان نسبت به اعضای خویش است؛ تصرف در اعضای بدن به نحوی که به اصل حیات ضرری نرساند، از حقوق انسان است که با وجود مصلحت شرعی، می تواند به واسطه آن، در اعضای بدنش تصرف کند.<sup>۱۲</sup> نتیجه: از آن چه گذشت می توان چنین نتیجه گرفت که تا دلیل خاصی بر عدم جواز تصرف وجود نداشته باشد، استفاده از اعضای بدن و تصرف در آن ها امری جایز است.<sup>۱۳</sup>

بر این اساس، می توان چنین اظهار نظر کرد که اقدام برای ترمیم پرده بکارت، از آن جهت که تصرف در بدن خود است، به خودی خود امر جایزی خواهد بود. بدون این که تفاوتی در سبب ازاله بکارت وجود داشته باشد؛ مگر این که دلیل خاصی بر عدم جواز چنین تصرفی وجود داشته باشد.

## ۲-۱- اصل اباحه

منظور از اصل اباحه آن است که هرگاه در حلیت یا حرمت انجام کاری یا استفاده از شیئی شک داشته باشیم، اصل بر آن است که آن کار یا استفاده، جایز و حلال خواهد بود. مستند چنین اصلی، افزون بر آیات قرآنی، برخی از روایاتی است که از امامان معصوم علیهم السلام به ما رسیده است؛ «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی»<sup>۱۴</sup> همه اشیاء مباح هستند مگر این که مورد نهی واقع شده باشند.

شیخ صدوق ضمن گشودن بابی با عنوان «باب الاعتقاد فی الحظر و الاباحه» در کتاب «الاعتقادات»، در توضیح این مطلب می نویسد: «اعتقادنا فی ذلک أن الاشیاء کلها مطلقه حتی یرد فی شیء منها نهی»<sup>۱۵</sup> اعتقاد ما این است که مردم در همه اشیاء آزادند مگر آن که در مورد آن ها نهی وارد شود.

شیخ مفید نیز به پیروی از استاد خود در این باره آورده است: «پس از استقرار شرایط، حکم آن است که هرچه در آن نصی در منع نباشد آزاد و مطلق است، زیرا شرایط حدود را تعیین و امور ممنوعه را مشخص کرده اند. بنابراین مابقی آن امور ممنوع نباشند»<sup>۱۶</sup>.

با استناد به اصل اباحه می توان چنین نتیجه گرفت که اگر به واسطه احتمال انطباق عنوان مجرمانه ای بر ترمیم پرده بکارت، شک در حرمت آن داشته باشیم، اصل بر جواز اباحه و جواز این عمل است.

### ۳-۱- قاعده اضطرار

«اضطرار» در لغت به معنای احتیاج، ناچاری، ناگزیری و درماندگی است.<sup>۱۷</sup> در متون فقهی نیز برای «اضطرار» و «مضطر» تعریف های مختلفی بیان شده است، همچون: «مضطر کسی است که از تلف خویش بیم داشته باشد»<sup>۱۸</sup> «واقع شدن شخص تحت شرایط و موقعیت تهدیدآمیز که خروج از آن مقتضی ارتکاب فعلی باشد»<sup>۱۹</sup>.

قرآن کریم در آیات متعددی به موضوع اضطرار پرداخته است، مانند آیه ۱۷۳ بقره، ۱۱۵ نحل، ۱۱۹ و ۱۴۵ انعام و ۳ مائده.

در آیه ۱۷۳ سوره بقره آمده است: «آنچه خداوند بر شما حرام نموده مردار، خون، گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شده است. پس

اگر کسی ناگزیر از خوردن یکی از محرّمات مذکور شود، چنانچه زیادت طلب و متجاوز از حد نباشد، گناهی بر او نیست. همانا خداوند آمرزنده و مهربان است». در متون روایی نیز احادیث فراوانی از امامان معصوم علیهم السلام درباره اضطرار نقل شده که مهم ترین آن ها حدیث رفع است. در این حدیث آن گونه که شیخ صدوق نقل کرده، آمده است: «رسول خدا (ص) فرمود: از امت من نه چیز برداشته شده است: خطا، نسیان (فراموشی)، آن چه بر آن اکراه می شوند، آن چه طاقتش را ندارند، آن چه نمی دانند، آن چه مضطر می شوند، حسد، طیره، خیال و وسوسه در آفرینش مادام که چیزی بر زبان جاری نساخته اند».<sup>۲۰</sup>

در این که منظور از رفع این امور نه گانه چیست، میان اصولیون اختلاف نظر است؛ اما به نظر می رسد مراد رفع آثار شرعی مترتب بر این امورات، یعنی آن چه را که شارع در مقام تشریح نسبت به این امور وضع نموده است، برداشته می شود. اما باید توجه داشت که چون حدیث رفع در مقام امتنان بر امت اسلامی است، هنگامی که رفع حکمی موجب تضییق و مشقت مسلمانان شود، نمی توان آن را با حدیث رفع از میان برداشت.

مرحوم آیت الله خوئی در این باره می نویسند: «رفع این عناوین، منتهی بر امت است. بنابراین، ضمان و مسئولیت مالی حاصل از فعل اضطراری به سبب حدیث رفع مرتفع نمی شود؛ زیرا رفع ضمان اتلاف، مخالف با امتنان نسبت به مالک است، اگرچه در آن منتهی برای تلف کننده وجود دارد».<sup>۲۱</sup>

شایان یادآوری است، برخی از فقها با استناد به عبارت «غیر باغ و لا عاد» موجود در آیه ۱۷۳ بقره بر این باورند که اضطرار هنگامی تحقق می یابد که خطر یا سبب ایجاد آسیب، توسط شخص مضطر ایجاد نشده باشد، چرا که اگر شخصی با اقدامات عمدی، شرایط و موقعیت اضطرار را برای خود فراهم کند، نمی تواند از

اذن شارع در حال اضطرار بهره مند شوند. ولی به نظر می رسد نامشروع بودن مقدمات، نمی تواند فرد را از شمول عنوان کلی اضطرار خارج کند، زیرا چنین شخصی در وضعیت فعلی خود، مضطر بوده، مشمول قاعده اضطرار است. بنابراین، از آن جا که اضطرار تنها ناظر به شرایط گرسنگی نیست،<sup>۲۲</sup> می توان چنین نتیجه گرفت که عمل ترمیم پرده بکارت، در شرایط اضطرار، یعنی هنگامی عدم بکارت سبب هتک آبرو یا توجه خطر جانی به زن می شود، امری جایز است؛ هرچند لازم است ضرر همسر آینده وی از این عمل جبران شود، یعنی اگر شوهر با اعتقاد به باکره بودن زن، مهریه وی را برابر دختران باکره تعیین کرده است، مهریه اضافی به شوهر برگردانده شود.

#### ۴-۱- قاعده عسر و حرج

از جمله دلایلی که می توان برای جواز عمل بکرنمایی به آن استناد کرد، قاعده نفی عسر و حرج است. مفاد این قاعده نفی حرج در دایره تشریح و قانون گذاری است؛ بدین معنا که در اسلام حکمی که مستلزم حرج مکلفین باشد، وجود ندارد.

بنابراین، از آنجا که حرمت بکرنمایی در بسیاری موارد سبب می شود زن به سختی افتاده، ضمن در معرض خطر قرار گرفتن حیثیت خود و خانواده اش، از استفاده از برخی فرصت های اجتماعی، همچون ازدواج محروم گردد؛ و تحمل چنین حالتی در شرایط عادی بسیار دشوار می نماید، می توان به جواز ترمیم بکارت حکم کرد.

نمای از منظر فقه پزشکی

## ۵-۱- ضرورت کتمان گناهان ناموسی

لزوم کتمان گناهان ناموسی از جمله مقررات نظام حقوقی اسلام است که به منظور حفظ حرمت و کرامت انسان وضع شده است. بر اساس این قانون، بزه کار مجاز نیست حتی به انگیزه کم شدن عذاب اخروی، به جرم خود در دادگاه یا نزد سایر افراد اعتراف کند؛ همچنان که سایر افراد نیز، مجاز نیستند با تفحص در زندگی خصوصی وی، وقوع جرم از سوی او را آشکار کنند.<sup>۲۳</sup>

به همین جهت، قانونگذار مقررات بسیار دشواری را برای احراز چنین جرایمی وضع کرده است. به عنوان مثال، اثبات روابط نامشروع (زنا) از دو راه ممکن است:

اول: اقرار متهم به انجام بزه نزد قاضی، چهار بار؛ دوم: شهادت همزمان چهار مرد عادل یا سه مرد و دو زن عادل یا دو مرد و چهار زن عادل نزد قاضی به انجام بزه از سوی متهم.<sup>۲۴</sup> بر این اساس، چنانچه تعداد شاهدان نزد قاضی کمتر از میزان تعیین شده باشند، این افراد به واسطه شهادت دادن به عملی که نصاب شرعی تعیین شده برای احراز آن رعایت نشده است، خود تنبیه شده، محکوم به حد قذف می شوند.

حال اگر دختری مرتکب زنا شده و در اثر آن پرده بکارتش زایل گردد، امکان ازدواج وی با توجه به هنجارهای عرفی - مذهبی مطرح در جامعه در ارزشمندی وجود پرده بکارت، بجز با اعتراف به انجام گناه ممکن نیست. چنین اعترافی، افزون بر این که کرامت انسانی وی را در معرض خطر قرار می دهد، آینده زندگیش را با چالش های فراوانی مواجه می سازد.

## ۶-۱- اصل برائت

از جمله اصول عملی، اصل برائت است. در علم اصول فقه برای این اصل دو معنا بیان شده است: قبح عقاب بدون بیان (برائت علقی)، رفع تکلیف (برائت شرعی). برائت شرعی در هنگام جریان، می تواند یکی از دو مطلب را اثبات کند: عدم لزوم ایجاد یک عمل (جواز ترک عمل)، عدم حرمت یک عمل (جواز انجام عمل). ۲۵ به عنوان مثال، هرگاه در ضرورت انجام کاری همچون کمک به نابینا برای عبور از خیابان تردید داشته باشیم و هیچ دلیلی هم بر لزوم یا عدم لزوم این کار در منابع فقهی پیدا نکنیم، به کمک اصل برائت می توان مدعی شد که انجام چنین کاری لازم نیست، هرچند می تواند پسندیده باشد؛ همچنان که اگر شک داشته باشیم که آشامیدن یک نوشیدنی فاقد الکل حرام است یا نه، می توان به کمک این اصل، اثبات کرد که چنین کاری حرام نیست.

بر این اساس، چنانچه تردید داشته باشیم که به واسطه اصرار مراجعه کننده، بر پزشک واجب است اقدام به عمل جراحی ترمیم بکارت کند، اصل برائت بر این مطلب دلالت خواهد کرد که اقدام به چنین کاری بر پزشک واجب نبوده، می تواند از انجام آن خودداری کند؛ اما اگر تردید داشته باشیم که آیا انجام چنین کاری برای پزشک حرام است یا نه، می توان مدعی شد که اصل برائت، جواز انجام عمل ترمیم پرده بکارت را اثبات می کند.

نقد و بررسی: همان گونه که در منابع علم اصول فقه آمده، شرط اصلی اجرای برائت شرعی، همچون سایر اصول عملی، فحص از دلیل و ناامیدی از دستیابی به آن است (الاصل دلیل حیث لا دلیل). بنابراین، با وجود دلایل لفظی نمی توان به سراغ اصل برائت رفت و از آن جا که موافقان و مخالفان عمل ترمیم پرده بکارت

برای اثبات ادعای خود به دلایلی استناد کرده اند، دیگر نوبت به استناد به اصل برائت نمی رسد.

## ۲- دیدگاه دوم: عدم جواز

برای اثبات عدم جواز عمل ترمیم پرده بکارت به این مطالب نیز می توان استناد کرد:

### ۲-۱- قاعده حفظ فروج

و جوب پوشاندن اندام های جنسی و قرار ندادن آن ها در معرض دید دیگران که از آن با عنوان «لزوم حفظ فروج» یاد می شود، از جمله اصول مسلم فقه اسلامی است. قرآن کریم این مطلب را در دو آیه مورد بررسی قرار داده است: اول: «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن»،<sup>۲۶</sup> ای پیامبر به زن های مؤمن بگو که چشم های خود را از نگاه هوس آلود بپوشانند و فروج (آلت تناسلی) خویش را از زشتی ها نگهدارند.

خداوند در این آیه زنان را مکلف به حفظ اندام جنسی خود کرده است، اما مشخص نیست که اینان از چه چیزی باید فروج خود را حفظ کنند. آیا حذف متعلق، دلالت بر عموم داشته، بر زنان واجب است اندام های جنسی خود را از هر چیزی حفظ کنند یا این آیه ناظر به حفظ از یک امر مشخص است؟

گروهی معتقدند که سیاق آیه بیان گر حفظ فروج از رابطه نا مشروع و آمیزش جنسی با هر مردی غیر از همسر است؛ اما در برابر، برخی نیز با استناد به برخی از احادیث مدعی اند حمل آیه بر زنا صحیح نبوده، مراد از حفظ فروج، لزوم پوشاندن آن است،<sup>۲۷</sup> زیرا از حضرت صادق علیه السلام در این باره چنین نقل شده است: «هر آیه ای از قرآن که در آن از حفظ شرمگاه سخن به میان آمده، مراد

نگه داشتن آن از زنا است، مگر این آیه که مراد حفظ شرمگاه از نگاه شما است».<sup>۲۸</sup>

دوم: «الذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون»،<sup>۲۹</sup> آنان که فروج و اندام شان را از عمل حرام نگاه می دارند، مگر بر همسران یا کنیزان خود، هیچ گونه ملامتی در مباشرت این زنان بر آن ها نیست و کسی که غیر این زنان حلال را به مباشرت طلبد، ستمکار و متعدی خواهد بود.

آن گونه که از مضمون آیه به دست می آید، خداوند حفظ فروج را بجز در مورد همسر واجب دانسته است. اطلاق این حکم حکایت از آن دارد که انجام هر عملی که مصداق عدم حفظ فروج است، نسبت به غیر از همسر جایز نخواهد بود.

در اینجا لازم است به نقد و بررسی این موضوع بپردازیم.

اولاً: این آیه اختصاص به مردان داشته، ناظر به زنان نیست؛

ثانیاً: متعلق این آیه عام نبوده، منظور از آن تنها حفظ از اعمال منافی عفت است. اگر منظور از حفظ فروج، حفظ آن از اعمال منافی عفت باشد، استدلال به آن برای اثبات حرمت ترمیم پرده بکارت هنگامی صحیح است که با دلیل دیگری، منافی عفت بودن عمل هایمنوپلاستی ثابت شده باشد؛ چرا که هیچ دلیلی موضوع خود را اثبات نمی کند.

ثالثاً: بر فرض که عنوان حفظ فروج عام بوده، شامل غیر از زنا نیز بشود، استناد

به آن برای اثبات عدم جواز بکرنمایی، استناد به عام در شبهه مصداقیه است.<sup>۳۰</sup>

## ۲-۲- قاعده حرمت اعانت بر اثم

وقوع جرم از سوی مجرم گناه به تنهایی صورت می گیرد که در این صورت به او «فاعل» گفته می شود و گناه با همکاری فرد یا افراد دیگر. در صورت اخیر، یا تمام همکاران در تحقق عنصر مادی جرم دخالت دارند که به آن ها «شرکاء» گفته می شود یا فردی به تنهایی عنصر مادی جرم را محقق می سازد، ولی فرد یا افرادی وی را در انجام آن، کمک می کند که در این صورت به آنان عنوان «معین» اطلاق شده، عملشان «اعانت بر اثم» نامیده می شود.

اعانت بر اثم همچون انجام خود گناه، حرام است. قرآن کریم در این باره می فرماید: «تعاونوا علی البر والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان».<sup>۳۱</sup>

مفهوم اعانت: در متون فقهی برای «اعانت» تعریف های مختلفی بیان شده است، همچون: «معاونت عبارت است از هرگونه فعلی که دیگری را یاری نموده او را در تحقق هدف مورد نظرش قادر سازد»<sup>۳۲</sup>؛ «معاونت عبارت است از انجام دادن برخی از مقدمات فعل حرام، به قصد ایجاد آن حرام، نه مطلق انجام دادن آن مقدمات».<sup>۳۳</sup>

هرچند با توجه به این تعریف ها، عنوان «اعانت» اعم از مساعدت فکری، معنوی، عملی و مادی است؛ اما بعید نیست که از نظر فقها انجام اموری چون تحریک، ترغیب و مانند آن که در نوعی همکاری فکری و معنوی است، اعانت به حساب آید.

مفهوم اثم: منظور از «اثم»، معنای مخالفت با امر خداوند است؛ خواه این مخالفت با فعل باشد یا با ترک فعل. در قرآن کریم واژه «اثم» وهم خانواده های آن (آثم، ااثم، ائیم، تأئیم) ۴۸ بار بکار رفته که وجه مشترک همه آن ها مفهوم «عمل غیر مجاز» است.

مفهوم اعانت بر اثم: اعانت ناظر به فعل مثبت بوده، نسبت به فعل منفی مصداق خارجی ندارد. بر این اساس، منظور از «اعانت بر اثم» هر فعل مثبتی است که دیگری را در انجام امری مخالف با امر خداوند، یاری رساند.

شرایط صدق اعانت بر اثم:

۱-۲-۲- حرام (گناه صغیره - کبیره) بودن عمل ارتكابی معان؛

۲-۲-۲ عمل مثبت شخص معین؛

۳-۲-۲ وجود عنصر معنوی در مشخص معین برای ارتكاب گناه؛

۴-۲-۲ تحقق نتیجه تعاون در خارج.

شایان یادآوری است که میان فقها در اعتبار تحقق نتیجه تعاون در جهان خارج، اختلاف نظر وجود دارد. از نظر شیخ انصاری، حصول نتیجه، شرط اعانت بر اثم نیست؛ اگر کسی انگور را برای ساختن خمر به شخصی بفروشد، خواه آن انگور تبدیل به خمر شود یا نشود، معاونت بر اثم تحقق پیدا کرده است.<sup>۳۴</sup> اما مرحوم نجفی (صاحب جواهر) معتقد است در صدق اعانت بر اثم، هم قصد و هم تحقق نتیجه در خارج معتبر است. به نظر ایشان، اگر نتیجه حاصل نشود، مساعدت کننده از جهت تجری<sup>۳۵</sup> و نه از جهت اعانت بر اثم، مستحق مجازات است.<sup>۳۶</sup>

نتیجه: از آن جا که انجام ترمیم هایمن یا امکان انجام آن بعد از ازاله بکارت، می تواند زمینه ارتكاب جرائمی همچون روابط نامشروع را در جامعه فراهم کرده، و افراد بزهکار با استفاده از آن، سرپوشی بر ولنگاری جنسی خود بگذارند؛ همچنین موجبات تدلیس (فریب) در ازدواج را فراهم سازد، عمل حرامی است. روشن است که در این صورت، اقدام پزشک برای ترمیم پرده بکارت، هنگامی حرام خواهد بود که وی از قصد زن (مُعان) برای انجام این عمل اطلاع

مفهوم اعانت بر اثم از منظر فقه پزشکی

داشته باشد. البته به نظر نمی رسد که بر پزشک واجب باشد که از قصد بیمار برای اقدام به این عمل و دلیل ازاله پرده بکارت وی اطلاع پیدا کند.

### ۲-۳- حرمت کشف عورت

در متون فقهی معیارهای متفاوتی برای جواز انجام این کار توسط پزشک مطرح شده است.

ضرورت: برخی از فقها درمان بیمار را از جمله مصادیق ضرورت دانسته اند. یعنی نگاه کردن به اندام های جنسی سایر افراد جز در حال ضرورت جایز نیست.<sup>۳۷</sup>

نیاز: در مقابل برخی بر این باورند که میزان در جواز نگرستن، نیاز (حاجت) است، یعنی اگر پزشک برای درمان بیمار خود نیاز داشته باشد که به اندام های جنسی او نگاه کند، می تواند به اندازه نیاز نگاه کرده یا آن را لمس کند.<sup>۳۸</sup>

آسیب دیدگی (ضرر): گروهی دیگر از فقها مدعی هستند که اگر درمان بیمار به منظور جلوگیری از آسیب دیدن او باشد، یعنی اگر درمان نشود، آسیب خواهد دید، پزشک می تواند برای آسیب ندیدن (دفع ضرر) بیمار درمان خود را دنبال کند، هرچند منجر به نگاه کردن یا لمس اندام های جنسی او باشد.<sup>۳۹</sup>

مشقت (عسر و حرج): فقیهانی که معتقدند لازم نیست آسیب دیدن بیمار (از بین رفتن یا نقص عضو، شدت یافتن بیماری) متوقف بر نگاه یا لمس باشد تا نگاه و لمس اندام های جنسی او جایز باشد<sup>۴۰</sup>، بلکه اگر به واسطه درمان نشدن بیمار به سختی بیفتد یا بهبودی او طولانی شود، پزشک می تواند برای جلوگیری از به سختی افتادن بیمار به درمان او اقدام کند؛ هرچند این درمان منجر به نگاه یا لمس اندام های جنسی وی شود<sup>۴۱</sup>.

دیدگاه برگزیده: به نظر ما نیاز، به تنهایی برای اثبات جواز نگرستن یا لمس کردن کافی نیست. زیرا عنوان «نیاز» گسترده‌تر از عنوان «ضرورت» است<sup>۴۲</sup> و دلیلی بر کفایت نیاز (حاجت)- به هر درجه‌ای که باشد- برای اثبات جواز نگرستن یا لمس اندام‌های جنسی سایر افراد وجود ندارد<sup>۴۳</sup>. بلکه جواز نگرستن یا لمس کردن تنها در صورتی است که پزشک پیش از نیاز ضرورتی را برای آن احساس کند<sup>۴۴</sup>.

مراد از «ضرورت» که مجوز انجام چنین جراحی است یا اضطرار است یعنی پزشک ناگزیر باشد، برای درمان بیمار خود دست به چنین کاری بزند که در غیر این صورت سلامت وی به خطر می‌افتد یا دست کم بیمار برای درمان خود به مشقتی (عسر و حرج) مبتلا شود که در شرایط عادی قابل تحمل نباشد<sup>۴۵</sup>.

اما از آن جا که ازاله بکارت بیماری به حساب نمی‌آید، اقدام به ترمیم آن کاری از روی اضطرار نخواهد بود تا به واسطه آن جایز باشد. البته اگر بتوان ضرورت انجام آن را به خاطر وقوع در مشقت اثبات کرد. بتوان با استناد به قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» حکم به جواز کشف عورت، همچنین جواز لمس و نگاه به آلت جنسی بیگانه کرد<sup>۴۶</sup>.

#### ۴-۲- قاعده ارش

بر اساس آموزه‌های فقهی، در برابر انجام هر جنایتی که دیه معینی ندارد، جانی می‌بایست به مجنی علیه «ارش» پردازد.<sup>۴۷</sup>

از آن جا که ازاله بکارت دیگران نیز از جمله جرایمی است که قانونگذار برای آن دیه تعیین نکرده است، جانی موظف به پرداخت ارش است. به همین دلیل، اگر کسی با انگشت خود سبب زایل شدن پرده بکارت دختری را فراهم کند، باید به عنوان ارش، به وی مهر المثل پردازد. لزوم پرداخت «ارش البکاره» و

عدم اشاره به امکان یا عدم امکان ترمیم آن، حکایت از آن دارد که ترمیم آن جایز نیست؛ چرا که اگر این عمل جایز می بود، دیگر نیازی به پرداخت آن نمی بود.

شایان ذکر است در این که پرداخت «ارش البکاره» مشروط به زوال بکارت به سبب آمیزش جنسی است یا نه، میان فقها اختلاف نظر است. مشهور میان فقها آن است که اگر ازاله بکارت به سبب نزدیکی صورت گرفته شده باشد، می بایست ارش پرداخت شود، چرا که بدون آمیزش، حقیقتاً ازاله‌ای تحقق پیدا نکرده تا لازم باشد در برابر آن ارش پرداخته شود.

#### نتیجه

آن گونه که ملاحظه می‌شود، بکر نمایی از جمله چالش‌های فقهی در زمان معاصر است که موافقان و مخالفانی داشته و هریک برای اثبات دیدگاه خود به دلایلی نیز استناد کرده‌اند. دقت در این دلایل نشان می‌دهد که صدور یک حکم کلی برای عمل هایمنوپلاستی در تمام شرایط مختلف، ممکن نخواهد بود. اما به نظر می‌رسد «معاونت در اثم» شایع‌ترین عنوانی است که در بسیاری از موارد بر این عمل بار می‌شود، چرا که رواج چنین عملی می‌تواند انگیزه برای رفتارهای جنسی خارج از کانون خانواده را افزایش داده، نظم عمومی را بر هم زند؛ هرچند در پاره‌ای از موارد، به واسطه حفظ آبرو و حیثیت افراد، چاره‌ای جز انجام آن نیست. عدم امکان دستیابی به یک حکم قطعی کلی در این باره را می‌توان از فتاوی مختلف فقها نیز به دست آورد:

الف) آیت الله فاضل لنکرانی:

- ۱- ترمیم پرده بکارت که به هر دلیل ازاله شده باشد، اگر مستلزم فعل حرامی از قبیل لمس و نظر اجنبی نباشد، مانعی ندارد.
- ۲- ترمیم بکارت، تدلیس است و تدلیس در ازدواج جایز نیست.
- ۳- ترمیم بکارت در صورت ضرورت و توقف حفظ آبرو و حیثیت، و لو مستلزم حرامی از قبیل لمس و نظر اجنبی باشد، مانعی ندارد.<sup>۴۸</sup>

ب) آیت الله مکارم شیرازی:

- ۱- اگر ترمیم برای تدلیس نباشد، جایز است.<sup>۴۹</sup>
- ج) رهبران مذهبی سایر کشورها:
  - ۱- آزمایش و معاینه باکرگی قبل از ازدواج ممنوع است.
  - ۲- بکرنمایی در صورتی که فرد، قربانی تجاوز باشد، مجاز می باشد.
  - ۳- بکر نمایی فریب همسر آینده محسوب می باشد و لذا مجاز نمی باشد.<sup>۵۰</sup>

## پی نوشت‌ها

## 1- Hymenoplasty

۶- ر.ک: گودرزی، پزشکی قانونی، ۱۱۹۵/۲

۷- ر.ک: همان

## 8- Jeffry Frentren, the (Deadly) serious side of Hymenoplasty, July 2008 Plastic Surgery practice

۹- تحریر الروضه فی شرح اللمعه، ص ۶۰۳ و اللمعه مشنقیه، ترجمه علی شیروانی، ص ۲۳۱، شماره ۱۳

۲- ر.ک: قواعد الاحکام، ۲۷/۲؛ العروه الوثقی، ص ۳۶.

۳- شهید ثانی، مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام، جلد اول، ص ۴۴۸، ۴۴۹ و ۴۵۲

۴- اللمعه مشنقیه، ترجمه علی شیروانی، ص ۳۰۰، شماره ۴۰

۵- منبع پیشین

۱۰- برای اطلاع بیشتر، ر.ک: المیزان، ج ۱، ص ۲۱؛ کلمات سدیده فی مسائل جدیدة، ص ۱۷۸ و ۱۸۱؛ منهاج

الفقاهة، ج ۳، ص ۱۱۴؛ الفقه و المسائل الطبیة، ص ۲۱۸ و ۱۸۲.

۱۱- کلمات سدیده فی مسائل جدیدة، ص ۱۵۶ و ۱۶۰ و ۱۶۶.

۱۲- محقق داماد، سید مصطفی، جنایت بر اعضاء بدن از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی، فصلنامه حقوق

پزشکی شماره ۶، ۱۳۸۷، ص ۳۵

۱۳- منبع پیشین، ص ۳۶

۱۴- وسایل الشیعه، ۱۲۷/۱۸-۱۲۸.

۱۵- وسائل الشیعه، ۱۲۸/۱۸

۱۶- تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۴۳

۱۷- محقق داماد، قواعد فقه، بخش جزایی، ص ۱۲۴

۱۸- ایضاح الفوائد، ج ۴، ص ۱۶۲

۱۹- عوده، التشریح الجنایی الاسلامی، ج ۱، ص ۵۷۷

۲۰- خصال شیعه، به نقل از کتاب قواعد فقه، بخش جزایی، تألیف آیت الله محقق داماد، ص ۱۳۲

۲۱- مصباح الاصول، آیت الله خویی، ج ۲، ص ۲۷۰

۲۲- ر.ک: مجمع البیان، ۲۵۷/۱.

۲۳- قواعد فقه، بخش جزایی، ص ۸.

۲۴- مباحث حقوقی، لمعه دمشقیه، ص ۲۲۶-۲۲۷.

۲۵- ر.ک: مبانی استنباط حقوق اسلامی، ص ۳۰۹.

۲۶- سوره نور، آیه ۳۰.

۲۷- ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۷

۲۸- الکافی، ۳۷/۳.

۲۹- سوره مؤمنون، آیات ۷-۵.

۳۰- برای آگاهی از مباحث مرتبط با «تمسک به عام در شبهه مصداقیه»، ر.ک: مبانی استنباط حقوق

اسلامی، ص ۱۰۶.

- ۳۱- سوره مائده، آیه ۲
- ۳۲- منية الطالب، ص ۱۱.
- ۳۳- کتاب المكاسب، ۱۱/۱۳۲.
- ۳۴- منبع پیشین.
- ۳۵- منظور از تجری، مقاومت و سرکشی علیه شارع از طریق قصد نقض قوانین و سرپیچی از اوامر و نواهی اوست؛ ر.ک: قواعد فقه، بخش جزایی، ص ۱۹۱
- ۳۶- جواهرالکلام، ۸۷/۲۹
- ۳۷- تذکره الفقهاء، ۵۷۳/۲، قواعد الاحکام ۶/۳
- ۳۸- شرایع الاسلام، ۴۹۵/۲، مسالک الافهام ۴۹۱
- ۳۹- کشف الاحکام، ۹/۲
- ۴۰- تذکره الفقهاء، ۵۷۳/۲، مسالک الافهام، ۵۰/۷
- ۴۱- جواهرالکلام، ۸۸/۲۹
- ۴۲- انصاری، کتاب نکاح، ص ۵۶
- ۴۳- جواهرالکلام، ۸۸/۲۹
- ۴۴- مستند الشیعه، ۵۹/۱۶، ۶۵
- ۴۵- مشروعیت رحم جایگزین در اندیشه فقهی، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶
- ۴۶- ر.ک: وسائل الشیعه، ۸۹/۲۹؛ قواعد فقه دیات مطالعه تطبیقی در مذاهب اسلامی، ص ۲۲۸.
- 47- [www.Lankarani.net/far/book/viuv](http://www.Lankarani.net/far/book/viuv)
- ۴۸- درس نامه پزشکی قانونی، معاینه پرده بکارت

## فهرست منابع

- حاج آبادی، احمد، قواعد فقه دیات مطالعه تطبیقی در مذاهب اسلامی، انتشارات پژوهشگاه و فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴
- عاملی، حر، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت
- حسینی، سید عباس - احمد زاده، ابوالفضل، مباحث حقوقی لمعه دمشقیه، چاپ دوم، شهریور ۸۶
- رحمانی منشادی، حمید، مشروعیت رحم جایگزین در اندیشه فقهی، فصل نامه اخلاق پزشکی، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۸۷
- شیخ انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، چاپ سنگی (به خط طاهر خوشنویس)، بیتا
- صفایی، سید حسین، مختصر حقوق خانواده، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۴
- طباطبایی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، ج ۱، چاپ بغداد
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، فی تفسیر القرآن، بیتا، صیدا، ۱۳۳۳ ه.ق
- علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، (همراه با ایضاح الاحکام) با تحقیق موسوی کرمانی کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه
- گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی، چاپ اول، انتشارات انیشتین، ۱۳۷۷
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام، نجف، مطبوعه الاداب، ۱۹۱۶ م
- محقق داماد، سید مصطفی، جنایت بر اعضاء بدن از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۷
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش جزایی، چاپ هفتم، بهار، ۱۳۸۶
- محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ بیست و سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵
- مکارم شیرازی، ناصر، احکام پزشکی، چاپ اول، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۷
- منتظری، گیتا، درس نامه پزشکی قانونی، انتشارات سازمان پزشکی قانونی کشور
- مؤمن قمی، محمد، کلمات سدیده فی مسائل جدیدة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ه.ق

Jeffry Frentren, the (Deadly) serious side of Hymenoplasty, July 2008,

.....  
[www.Lankarani.net/far/book/viuw](http://www.Lankarani.net/far/book/viuw)

یادداشت شناسه مؤلف

دکتر سید عباس سادات حسینی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، کارشناس حقوق و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.